

موسسه آموزش عالی رسام  
غیردولتی - غیرانتفاعی

# معرفت

سال دوم شماره نه مهر ۹۸

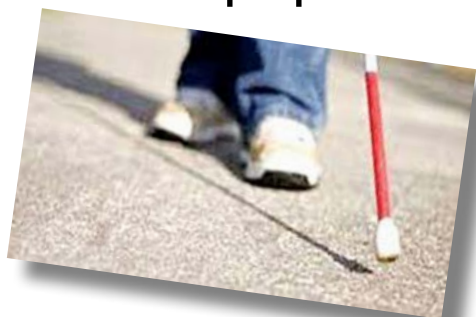


عصای سفید ●

معرفی کتاب ●

روز جهانی کودک ●

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست مطالب

۳	..... سخن سردبیر
۴	..... عصای سفید
۶	..... معرفی کتاب
۸	..... روز جهانی کودک



موسسه آموزش عالی رسام  
غیردولتی - غیرانتفاعی



نشریه فرهنگی معرفت با حمایت های  
معاونت دانشجویی \_ فرهنگی دانشگاه رسام  
منتشر میشود.

طراح و صفحه آرا: غزاله فرهنگ

ارتباط با ما:

[rasamuniversity.info@gmail.com](mailto:rasamuniversity.info@gmail.com)

[www.rasam.ac.ir](http://www.rasam.ac.ir)

# سردبیر سخن

به لطف پروردگار و تلاش همکاران عزیز  
موجبات تهیه ی شماره ی نهم نشریه فرهنگی  
نیز فراهم شد. در این شماره سعی ما در بخش  
ارائه محتوا بیشتر بر این بود که اطلاعاتی  
کاربردی و مفید را در اختیار شما عزیزان قرار  
دهیم. که ترجیحا کمتر به آن پرداخته  
شده و یا حتی یادآوری آن ها نیز  
مفید و مهم باشد.

# عصای سفید

به مناسبت روز جهانی عصای سفید

از زمان ابتکار عمل جیمز ۱۰ سال طول می کشد تا عصای سفید جای خود را در محافل عمومی و اجتماعی باز کند. در فوریه ۱۹۳۱ «گیلی دهریمونت» طرحی را به منظور همگانی کردن استفاده از عصای سفید در کشور فرانسه آغاز می کند. با انعکاس این طرح در مطبوعات بریتانیا طرح مشابهی در سراسر بریتانیا به اجرا در می آید.

در آمریکای شمالی معرفی عصای سفید مرهون تلاش های باشگاه بین المللی «لانیز» است. تحت تاثیر قرار گرفتن عضوی از اعضای باشگاه «لانیز» به هنگام عبور مردی نابینا به همراه عصایی سیاه از خیابان، باشگاه لانیز را بر آن می دارد تا به منظور بالا بردن قابلیت شناسایی عصا برای رانندگان رنگ عصای نابینایان را به سفید تغییر رنگ دهد. در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نابینایان به همراه عصای سفیدی که آن را به صورت اریب به دست می گرفتند در گذرگاهها و معابر ظاهر می شدند و از اینجا بود که نقش نمادین عصای سفید اذهان را به سوی خود جلب کرد. با بازگشت معلولان آسیب دیده از جنگ جهانی دوم به کشور آمریکا تغییرات عمده ای در شکل و نحوه استفاده از عصای سفید پدید آمد. این تغییرات در جهتی بود که معلولان بازگشته از جنگ را به زندگی مبتنی بر مشارکت امیدوار کند. دکتر «ریچارد هوور» گونه ای از عصای سفید را طراحی و به بازار عرضه کرد تا وسیله ای برای جهت یابی در سفرها و سیاحت های نابینایان باشد. عصای بلند با عصای هوور، مجدداً نقش ابزاری عصا را در خاطرها زنده کرد.

عصای سفید نه تنها ابزاری برای استقلال، بلکه نمادی از نابینایان در جوامع است. امروزه عصای سفید از دو جنبه حائز اهمیت است و آن اهمیت ابزاری و نمادین بودن آن می باشد.

در طول تاریخ، عصا و چوبدستی به عنوان ابزاری کمکی برای نابینایان استفاده می شدند. یادداشتهای مربوط به زمان نزول انجیل حاکی است که چوبدستی چوپانان، ابزاری برای سفرهای تک نفره بوده است و نابینایان از عصا و چوبدستی به منظور شناسایی موانع موجود در مسیر گذرشان استفاده می کردند.

قرنها گذشت و تعریف (عصا) به ابزاری بودن کفایت کرد. اما عصایی که امروزه می شناسیم و پس از قرن بیستم با نام آن آشنا شده ایم، ابزاری کاربردی و نمادی سمبلیک است که فرد نابینا را به مخاطبش معرفی می کند. نقش جدید عصای سفید به دهه های بین دو جنگ جهانی باز می گردد، زمانی که نمادین بودن عصا برای نابینایان تبی فراگیر در اروپا شد و سپس به آمریکای شمالی نیز سرایت کرد. ایده معرفی عصای سفید برای نابینایان را به «جیمز بیگز» ساکن بریستول نسبت می دهند. بنابر ادعای بیگز تصادفی در سال ۱۹۲۱ میلادی برایش اتفاق می افتد و بر اثر آن بینایی هر دو چشمش را از دست می دهد. وی که خود را ناچار به زندگی و سازش مجدد با محیط پیرامونی اش می دید، از ترس وسایط نقلیه عدیده ای که در اطراف منزلش در تردد بودند، عصای خود را به رنگ سفید در می آورد تا بدین وسیله قابلیت شناسایی خود را برای رانندگان وسایط نقلیه بالا ببرد.



حادثه، لویی از نعمت بینایی محروم گردید. پس از آن، او درباره افرادی که از نعمت بینایی برخوردار نبودند، بسیار اندیشید و سرانجام به فکر افتاد تا خطی را به وجود آورد که افراد نابینا به وسیله آن به راحتی به امر خواندن و نوشتن بپردازند. او پس از مدت ها، موفق به ابداع خطی گردید که به نام وی، بریل، نامیده شد.

## حقوق اجتماعی افراد نابینا

نابینایان، حق بهره‌گیری از کلیه امکانات رفاهی معمول در جامعه را دارند. آنان، حق دارند از پیاده‌روها، خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و وسایل ترابری همگانی مانند هواپیما، قطار، اتوبوس، خودرو، کشتی، هتل‌ها، مکان‌های عمومی و مراکز تفریحی و مذهبی بهره‌برداری کنند. چنانچه گهگاه محدودیتی برای سودجستن از این تسهیلات و مکان‌ها در میان باشد، باید فراگیر همه‌ی افراد جامعه باشد و اگر شخص یا سازمانی فقط برای نابینایان در استفاده از تسهیلات همگانی، محدودیت ایجاد کند یا حقوق نابینایان عاقل و بالغ را نادیده بگیرد، مجرم شناخته می‌شود. رانندگان وسایل نقلیه، موظف به مراعات کامل نابینایانی هستند که با عصای سفید در خیابان‌ها آمد و شد می‌کنند. دولت، موظف است نابینایان را به مشارکت در امور دولتی تشویق کند تا آنان نیز به کار مشغول شوند.

## درمان و پیش‌گیری از نابینایی

بسیاری از نابینایی‌ها قابل پیش‌گیری هستند؛ زیرا نابینایی و کم‌بینایی، یا ارثی است یا غیرارثی که هر کدام، پیش‌گیری و درمان مخصوص به خود را دارد. به عنوان مثال در موارد ارثی، می‌توان با انجام مشاوره‌های پیش از ازدواج، از بروز آن‌ها جلوگیری کرد و در موارد غیرارثی، می‌توان با مراجعه به موقع به پزشک متخصص و رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی، از بروز آن جلوگیری به عمل آورد. پس بهتر است با توجه عملی به شعار «پیش‌گیری، بهتر از درمان»، زندگی‌ای سرشار از سلامت و نشاط برای خود، خانواده و جامعه به ارمغان آوریم.



در این زمان عصای سفید جایگاه خود را در سیاستگذاری‌های دولتی باز کرد. طرح قانونی عصای سفید، اولین بار در دسامبر ۱۹۳۰ در ایلینویز مطرح شد. این طرح حق عبور و مرور را برای عابرین نابینا محفوظ دانسته بود. پس از آن طرح فوق در «میشیگان» به سال ۱۹۳۵ و «دیترویت» به سال ۱۹۳۶ مطرح شد. و بالاخره روز ۱۵ اکتبر به عنوان روز ملی عصای سفید اعلام و معرفی گردید و استفاده از عصای سفید برای نابینایان، جهانی گشت.

## تاریخچه عصای سفید

کاربرد عصا به عنوان وسیله‌ی کمکی در آمد و شد نابینایان، از قرن‌ها پیش متداول بوده است؛ ولی استفاده از عصای سفید به شکل امروزی و به عنوان نمادی برای شناخت نابینایان، به بعد از جنگ جهانی اول برمی‌گردد. در سال ۱۹۲۱م. عکاسی از شهر بریستول انگلستان به نام جیمز بیگز - که در اثر سانحه‌ای بینائی خود را از دست داده بود- برای در امان ماندن از گزند وسایل نقلیه در خیابان‌های اطراف محل زندگی‌اش ابتکار استفاده از عصای سفید را از آن خود کرد تا به راحتی برای همگان قابل دید باشد.

پس از آن دو تن از برجسته‌ترین محققان آمریکائی به نام‌های دکتر ناول پری (ریاضیدان) و دکتر جاکوپس تن بروک (حقوقدان)، توانستند قانونی در پانزدهمین روز از ماه اکتبر به عنوان قانون عصای سفید به تصویب برسانند و این روز را، به عنوان روز جهانی نابینایان نامگذاری کنند. در این قانون، تمامی حقوق اجتماعی فرد نابینا به عنوان عضوی از جامعه‌ی متمدن، انعکاس یافته است.

## ابداع خط بریل برای نابینایان

خط بریل، خطی است که در قرن نوزدهم میلادی، برای سهولت کار افراد نابینا و کم‌بینا در امر تحصیل و تعلیم و تربیت توسط لویی بریل فرانسوی ابداع گردید. پدر لویی بریل کفاش بود و لویی در کارگاه وی کار می‌کرد. روزی درفش کفاشی به چشم وی برخورد کرد و در اثر این



# معرفی کتاب

## بینوایان

حرص و ولعی که به مطالعه این کتاب در خود احساس می‌کردم تسکین نیافت تا سرانجام به ترجمه‌اش مصمم شدم، از دو سال و نیم پیش، از تابستان ۱۳۰۷ به این کار همت گماشتم و اکنون نتیجه زحمتم را، به عنوان خدمت ناقابلی به عالم معرفت و ادب، به خوانندگان محترم و هم‌وطنان عزیز تقدیم می‌دارم.

همان‌طور که در توضیحات مترجم خواندید، از زمانی که او ترجمه کتاب بینوایان را شروع کرد، دقیقا یک قرن می‌گذرد. پس از چاپ اول و دوم کتاب، مترجم، ترجمه را بارها و بارها ویرایش کرده و به گفته خودش تجدید نظر و اصلاح کرده است تا چیزی از آن برای خوانندگانی که چندان دقیق نیستند نامفهوم نماند. اما قبل از پرداختن به داستان کتاب و معرفی آن به این نکته اشاره کنم که در خوب بودن ترجمه این کتاب شک نکنید.

در زمان ترجمه کتاب، بر سر عنوان آن بحث‌هایی وجود داشت که حسینقلی مستعان در دفاع از این عنوان چنین توضیح می‌دهد:

من در دفاع از بینوایان گفتم و نوشتم و اثبات کردم که کلمه‌ای فقط به گدا و فقیر و بدبخت از لحاظ مادی و مالی اطلاق نمی‌شود، بلکه به افراد فاقد اخلاق و تقوا و دیگر فضایل انسانی هم می‌زیرابیل می‌گویند؛ و در زبان فارسی کلمه‌ای بهتر از بینوایان برای آن نمی‌توان یافت، زیرا که این کلمه درست مثل می‌زیرابیل به کسانی که برگ و نوای اخلاقی و روحی ندارد نیز اطلاق می‌شود.

کمتر کسی پیدا می‌شود که به طریقی با این کتاب آشنا نباشد. کتاب بینوایان با عنوان اصلی شاهکار ویکتور هوگو است که در سال ۱۸۶۲ منتشر شد. این رمان به معنای واقعی کلمه غذای کاملی برای روح انسان است. کتابی که بدون تردید از جمله ماندگارترین رمان‌هایی خواهد بود که به عمر خود می‌توانید بخوانید. کتاب بینوایان به صورت سوم شخص روایت می‌شود و در آن نویسنده زمان به جلو و عقب می‌کشد و ماجراهای مختلف را روایت می‌کند. این اثر هرآنچه را که لازم است درباره فرانسه قرن نوزدهم بیان کرده و یک اثر تاریخی، روانشناسانه، اجتماعی و عاشقانه محسوب می‌شود. ویکتور هوگو ۱۷ سال را صرف نوشتن این اثر برجسته کرده است.

حسینقلی مستعان، مترجم، در ابتدای کتاب بینوایان زندگی نامه‌ای از هوگو و همچنین معرفی کوتاه از آثار او ارائه کرده است. در مقدمه مترجم بر چاپ پنجم نوشته است:

بینوایان هوگو مسلما هرگز کهنه نخواهد شد و هرگز اهمیت و ارزشش تقلیل نخواهد یافت. این یکی از کتب انگشت‌شماری است که اگر هزاران توفان سهمگین و سیل بنیان‌کن از مکتب‌ها و سبک‌ها از سرشان بگذرد همچنان استوار خواهند ماند و چیزی از عظمت ابدی‌شان کاسته نخواهد شد.

همچنین مترجم در مقدمه چاپ اول و دوم کتاب بینوایان می‌نویسد:

تاثیر این شاهکار بزرگ ادب و اخلاق، در وجود من چندان شدید و نافذ بود که به یک‌دفعه مطالعه‌اش اکتفا نکردم و پس از مدتی کوتاه که طی آن هیچ‌گاه دل و جانم را از یادش خالی نمی‌یافتم، مطالعه‌اش را از سر گرفتم، و نه فقط یک‌دفعه، بلکه بار سوم هم که بینوایان را خواندم

## داستان کتاب بینوایان

سال را در زندان سپری می‌کند. پس از ۱۹ سال از زندان آزاد می‌شود. اما این تازه شروع بدبختی‌های اوست. هنگام آزادی برگه زردی به او می‌دهند که نشان دهنده این است که او یک مجرم است که به تازگی از زندان آزاد شده است. در همین حال است که ژان والژان وارد شهری می‌شود که میری‌یل، اسقف آن است. اولین توصیف از وضعیت ژان والژان در کتاب بینوایان چنین است: در یکی از نخستین روزهای ماه اکتبر ۱۸۱۵، تقریباً یک ساعت پیش از غروب آفتاب، مردی که پیاده سفر می‌کرد، داخل شهر کوچک دینی می‌شد. سکنه کمیابی که در آن لحظه جلو پنجره‌شان، یا بر آستانه خانه‌شان بودند، این مسافر را با یک نوع اضطراب می‌نگریستند. مشکل بود که راهگذری با ظاهری فلاکت‌بارتر از این دیده شود. این، مردی بود میانه بالا، چهارشانه، تنومند، در کمال سن. ممکن بود چهل و شش یا چهل و هشت سال داشته باشد. کلاهی با آفتاب‌گردان چرمی متمایل به پایین، قسمتی از چهره سوخته شده از تابش آفتاب و وزش باد و خیس شده از عرقش را می‌پوشاند. کراواتی داشت به شکل طناب، به گردن پیچیده؛ شلواری از کتان آبی مستعمل و از هم گسیخته، یک زانوی سفید، زانوی دیگرش سوراخ؛ نیم‌تنه کهنه‌ای خاکستری رنگ و پاره پاره، وصله خورده به یک آرنج با ماهوت سبز دوخته شده با ریسمان؛ بر پشت یک توبره سربازی، کاملاً انباشته، به خوبی مسدود، و بسیار نو؛ بر دست چوبدستی بزرگ گرده‌دار؛ پاهای بی‌جوراب در کفش‌هایی نعل‌دار؛ سر چیده شده، و ریش، بلند. (کتاب بینوایان - جلد اول - صفحه ۳۰۴)

ماجرای رمان با داستان زندگی مسیو بی‌بن و نو میری‌یل، اسقف شهر دینی آغاز می‌شود. پیرمرد ۷۵ ساله‌ای که ویکتور هوگو در وصف مهربانی و خوبی‌های او تقریباً ۱۰۰ صفحه‌ای می‌نویسد. این اسقف به هر طریقی به افراد بینوا کمک می‌کند، دستمزدی که از دولت می‌گیرد، پول مراسم‌ها و حتی خانه خود را نیز وقف فقرا می‌کند. چند مورد از خوبی‌های این اسقف که در متن کتاب آمده است: هرکس، می‌توانست به هر ساعت، مسیو میری‌یل را بر بالین بیماران و محتضران طلبد. وی بی‌خبر از آن نبود که این عمل عالی‌ترین وظیفه‌اش و بزرگ‌ترین کارش است. خانواده‌های بی‌سرپرست، یا یتیمان، محتاج به آن نبودند که آمدنش را تمنا کنند. او خود به موقع می‌رسید. هر جا که او پدیدار می‌شد مثل یک عید می‌شد. پنداشتی که در عبورش، چیزی حرارت‌بخش و درخشان وجود دارد. کودکان و پیران چنان به خاطر اسقف بر آستانه درها می‌آمدند که گویی برای آفتاب آمده‌اند. دعای خیر می‌کرد و مردم در حقتش دعای خیر می‌کردند. هرکس حاجت به چیزی داشت خانه او را نشان می‌دادند. در ادامه ژان والژان وارد داستان می‌شود. کسی که برای سیر کردن شکم بچه‌های خواهرش دست به دزدی می‌زند. او فقط یک قرص نان می‌دزد اما به ۵ سال زندان محکوم می‌شود. در زندان بر اثر اتفاقات و شرایط مختلف ۴ بار تلاش می‌کند که فرار کند اما هر بار دستگیر می‌شود و به مدت محکومیتش افزوده می‌شود. نهایتاً ژان والژان ۱۹



# روز جهانی کودک

## ۸ اکتبر؛ روز جهانی کودک

یکی از راه‌های شخصیت دادن به کودکان، بازی کردن والدین با آنهاست. این کار اندکی از وقت والدین را می‌گیرد، ولی آثار بسیار نیکویی دارد. بازی با کودک می‌تواند به شکل محبت کردن و شعر خواندن برای او باشد. کودکان، برکت زندگی و سرمایه‌های آینده جامعه به شمار می‌آیند. آنان برای رشد و بالندگی خود، نیازها و در مفهوم دقیق‌تر حقوقی دارند که باید به درستی به آن پرداخت. با توجه به نقش بی‌بدیل خانواده در بالندگی شخصیت کودک، پیش از همه، خانواده و سپس جامعه باید این حقوق را به خوبی بشناسند و خود را مکلف به پاس داشت آن بدانند. روز جهانی کودک بهانه‌ای برای ورود به جهان کودکان است؛ برای ورود به این جهان باید آگاهی‌های خود را فراموش کنیم و با ناآگاهی‌های کودکانمان همراه شویم.

## نامگذاری روز جهانی کودک

در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا، مجمع عمومی سازمان ملل به منظور حمایت از کودکان، سازمانی به نام یونیسف را ایجاد کرد که نخست «انجمن بین‌المللی ویژه کودکان سازمان ملل» نام گرفت. در سال ۱۹۵۳، یونیسف یکی از بخش‌های دائمی در سازمان ملل متحد گردید و روز ۸ اکتبر روز جهانی کودک نام‌گذاری شد.

## پیمان نامه جهانی حقوق کودک

پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم‌الاجرا شده‌است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی) این سند را امضا کرده‌اند و در ۱۴۰ کشور اجرا می‌شود و به این ترتیب مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ می‌باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این پیمان نامه پیوست، البته با این شرط که هر گاه مفاد پیمان نامه در هر مورد و در هر زمان با قوانین داخلی ایران و موازین اسلامی تعارض پیدا کند، دولت ایران ملزم به رعایت آن نباشد.





## محتوای پیمان نامه حقوق کودک

به شکل محبت کردن و شعر خواندن برای او باشد. نقل است که حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام را در کودکی بالا و پایین می انداخت و با او بازی می کرد و برایشان شعر میخواند. همچنین سیره زندگانی پیامبر اسلام، از هم بازی شدن ایشان با کودکان خبر می دهد.

## کودک و برنامه های تلویزیونی

کودکان خیلی بیشتر از بزرگ ترها تحت تأثیر فیلم ها و برنامه های تلویزیونی قرار می گیرند. پیامی که از راه برنامه تلویزیونی به کودک ارائه می شود، در فکر و روح آنها به خوبی نقش می بندد. این نقش بسته به ویژگی برنامه های تلویزیونی، می تواند مثبت یا منفی باشد. از یک طرف، خشک ترین مفاهیم در قالب برنامه های جذاب برای بچه ها قابل فهم و پذیرش می شود و از سوی دیگر، برنامه هایی که مانع آشنایی کودک با دنیای واقعی ها شود و مانند کارتون های تخیلی، با قهرمان های افسانه ای و قدرت های جادویی، او را در دنیای غیرواقعی غرق کند، برای کودک زیان بار است.

کودک بر اساس ماده یک پیمان نامه حقوق کودک به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری بوده که چهار اصول پایه ای آنرا جهت می دهد:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
- زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم گیری می شود، باید منافع عالی آنها در راس قرار گیرد.
- کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.
- کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می شود، باید مورد توجه قرار گیرد.

## والدین، هم بازی کودکان

یکی از راه های شخصیت دادن به کودکان، بازی کردن والدین با آنهاست. این کار اندکی از وقت والدین را می گیرد، ولی آثار بسیار نیکویی دارد. بازی با کودک می تواند

